



تکلیف Khamenei, Ir.

رهبر انقلاب در دیدار پرشور دست‌اندرکاران راهیان نور با اشاره به اینکه اظهار ضعف برخی در مقابل دشمن عامل افزایش فشار اقتصادی شد، تأکید کردند:

تا هنگامی که گرفتار خود هستیم نمی‌توانیم کاری انجام دهیم

ابتدا سیم خاردار نفس

مدیران مریخی!

■ زهرا طباطبائی

اینجا شک و تردید آزاردهنده دوباره دل مردم را رنجاند و از اهداف پنهان بعضی خدمتگزاران ترسیند

■ مسؤلیت نمی‌پذیرم!

چشم مردم از سیاست خارجی دولت هم ترسید آنجا که چرخ زندگی‌شان زیر بار تقسیم بازار با خارجی‌های سهم‌خوار در توافقات پسابرجامی شکست و برنامه‌های پیشرو هسته‌ای و فضایی، مفت از جنگ نسل آینده فرزندان ایران پرید! ملت ماندند و انسی لنگ که حتی صندوق بین‌المللی پول نیز حاضر نیست به‌رغم تشویق و ترغیب‌های پسابرجامی، روی موفقیتش شرط‌بندی کند. نه وزیر امور خارجه حاضر است در دور بعد مسؤلیت این برنامه شکست خورده را عهده‌دار شود و نه وزیر بهداشت تصمیم به ماندن دارد تا تسوان ولخرچی‌های تحول‌گرایانه دولت را بدهد! خبری از مسؤلیت‌پذیری نیست اما تا دلان بخواهد از خودمشتکری و بز تدبیر اقتصاد ادعایی ۷ درصدی، یارانه‌ای موثر برای دارند در چنین وضعیتی حرف دولت را نلفه‌مند و توثیتهای انگلیسی حضرت رئیس‌جمهور را حمل بر خداحافظی کنند.

بدیهی‌ترین انتظار ملت در دوره رکود و تورم و تحمل برنامه «ریاضت اقتصادی» دولت دکتر روحانی این بود که با درآمد سرشار حاصل از رشد اقتصادی ادعایی ۷ درصدی، یارانه‌ای موثر برای تقویت تولید و تولیدکننده ایرانی در نظر بگیرند. اما چراغ امیدشان سوخت وقتی شنیدند در دوره‌ای که دولت قول داده بود «شهروند درجه ۲» نداشته باشیم، ۲۰۰ میلیارد تومان بودجه فقط برای جذب ایرانیان مقیم آمریکا در سال آخر ریاست حسن روحانی مصوب شده است! آیا این مدیریت مسؤولانه است که برای ملت ایران با یارانه ۴۵ هزار تومانی، نسخه اقتصاد نوکینزی در بالادست بیچیند و یارانه ۲۰۰ میلیاردی برای آمریکایی‌های ایرانی‌تبار متمول ساکن نیگه دنیا وضع کنند؟! **■ ریاضت اجباری!**

رکود و تورم هم‌زمان از شاخصه‌های برنامه «ریاضت اقتصادی» است که ملت ما ۳ سال است اجباراً به لطف تصمیم‌سازی‌های محرمانه دولت رسیده باشند. واقعا هیچ‌کس دوست نداشت فریاد متخصصانی را باور کند که تأکید می‌کردند پس از اجرای ناقص طرح تحول، سود شرکت‌های دارویی چندملیتی از کیسه بیت‌العمل چندین برابر شده تا اینکه طرح جمع‌بیمه‌ها که همه جای دنیا به هدف نظارت بر میزان مصرف، مستقل از سیستم درمان هستند، در وزارت بهداشت رونمایی شد!

حقوق جامعه معترف باشند و برای حل‌وفصل مشکلات از جان و دل مایه بگذارند. معیارهای قضاوت مردم در دوره‌های مختلف به قدرت رسیدن چپی‌ها یا راستی‌ها، اصولگرایان یا اصلاح‌طلبان یا حتی مدعیان اعتدال تفاوت نمی‌کند، چون جامعه سنتی ایرانیان «سیاست‌زده» نیست و به کار و تلاش مسؤولان نمره می‌دهد. با این وجود مردم در تشخیص «تبعیض» بسیار سختگیر هستند، چرا که عدالت‌طلبی از شاخصه‌های ذاتی جوامع انقلابی است. پس محاسبه می‌کنند در دوره‌ای که دولت مدعی رشد اقتصادی ۷ درصدی است، وضعیت از نزدیک چگونه است؟ برای قضاوت هم نیازمند آمارهای دولتی و مجلسی نیستند... تورم و رکود و بیکاری را با گوشت و پوست‌شان هر روز در زندگی محاسبه و قیاس می‌کنند و اگر به نتیجه برسند که دولت بیشتر کی برای قانونی کردن «حقوق نجومی» یا یکدیگر پنهانی تفاهم کرده‌اند و در تهدید منتقدان رویه مذکور برای یکدیگر «احسنت، احسنت» فریاد می‌زنند، عمیقاً ناراضی می‌شوند.

■ سرمایه‌اعتماد اجتماعی

شاید باور نکنید اما مردم زمانی که سال ۹۲ عباس آخوندی، وزیر راه‌وشهرسازی گفت به جای طرح مزخرف و پر آشغال مسکن مهر، «مسکن اجتماعی» با مزایای بیشتر برای اقشار آسیب‌پذیر می‌سازد، خوشحال شدند و گفتند: «ان‌شاءالله موفق بشود!» مردم حتی تفاهنامه علی ربیعی، وزیر کار و رفاه اجتماعی با آخوندی را باور کردند آن زمان که نوشتند: ۴ ساله کلید مسکن ارزان‌قیمت را تحویل کارگران می‌دهند. با جان و دل امیدوار شدند با حذف ۷۰ درصد هزینه مسکن خانوار کم‌درآمد ایرانی، دست پدران و مسکن کارگر برای خرج در حوزه آموزش و بهداشت و رفاه خانواده باز می‌شود.

ایرانی‌ها یک درصد هم گمان نمی‌کردند پشت‌پرده «طرح تحول سلامت» عده‌ای به دنبال ورشکسته کردن نظام بهداشت و درمان کشور به منظور خصوصی‌سازی این حوزه باشند و احیاناً با شرکت‌های چندملیتی برای واگذاری بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی به تفاهم رسیده باشند. کس دوست نداشت پس از اجرای ناقص طرح تحول، سود شرکت‌های دارویی چندملیتی از کیسه بیت‌العمل چندین برابر شده تا اینکه طرح جمع‌بیمه‌ها که همه جای دنیا به هدف نظارت بر میزان مصرف، مستقل از سیستم درمان هستند، در وزارت بهداشت رونمایی شد!

یادداشت‌امروز ایرانیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره مسؤولان را از خودشان و خدمتکار انقلاب و اسلام دانسته‌اند و به واسطه این شکل کم‌تظنیر از روابط صمیمانه، آسانه تحمل مشکلات متنوع اقتصادی و اجتماعی در جامعه بالا رفته است. با حذف شاخصه «مردم‌گرایی» و پایبندی به ارزش‌های انقلاب اسلامی از قاموس مسؤولیت در ایران، طبیعی است کارنامه مدیر ایرانی نیز مطابق ارزش‌های لیبرالیستی ارزیابی شود. اصولاً در چنین سیستمی فدکاری جامعه در مواجهه با کمبودها و مشکلات متنوع فاقد توجه است، چرا که اصل بر مادی‌گرایی و محاسبه امکانات اقتصادی و اجتماعی است.

■ از خودراضی!

به نظر می‌رسد تغییر اخلاق سیاسی مدیران دولت یازدهم و حتی گروه‌هایی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که از خاستگاه سیاسی مشترکی با کابینه دکتر روحانی برخوردارند، فساد ارزیابی کارنامه آنها نیز موثر بوده، به نحوی که مردم توانایی ارتباط برقرار کردن با مسؤولان دولتی و مجلسی را تا حدی از دست داده‌اند. دولت به نحو غیرقابل توجیهی «از خودراضی» است و مردم اصرار دارند با سبک مدیریت از بالا در دوره پس‌انقلاب نمی‌توانند کنار بیایند و چشم بر اشرافی‌گری، اختلاس، تبعیض اجتماعی، فساد اداری و بی‌توجهی به مشکلات اقشار مختلف جامعه بیندند. در حقیقت ادبیات سیاسی مردم کماکان منطبق بر شعارهای انقلاب اسلامی در مبارزه با فقر و فساد و تبعیض است و مطابق همین ارزش‌ها از دولت‌ها کارنامه طلب می‌کنند اما فضای سیاسی مدیری جامعه میل شدیدی به سمت ارزش‌های غربی همچون «توسعه بدون محاسبه»، «حمایت از سرمایه‌گذار خارجی»، «راحت‌طلبی غیرمسؤولانه» و «لوکس‌اندیشی تبعیض‌آمیز» داشته است.

■ قضاوت منصفانه

قضاوت و صبوری مردم در شرایطی که مسؤولان را حاضر در میدان مبارزه با مشکلات می‌یابند تفاوت زیادی با دوره‌ای دارد که مسؤولیت به معنای تهران نشینی با حضور در کاخ ریاست در ۱۰ صبح و خروج ادکلن زده و شیک در ۲ بعد از ظهر یا «بزن خدمت» تعریف می‌شود. مردم بسیار منصف هستند و یاد گرفته‌اند مسؤولان را با همه مشکلات و سختی‌های اداره یک کشور بزرگ ۸۰ میلیونی درک کنند اما رویه «قضاوت منصفانه» تنها تا زمانی معتبر است که مسؤولان نیز به

دق‌الباب وحدت

■ حسین قدیانی

■ نگاه‌امروز

اگر قبیل از انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ تمنای مساز دوستان مبنی بر وحدت، برای این بود که یک جریان دارای علقه بیشتر به انقلاب و مصمم‌تر در رفع مشکلات مردم، سکانت‌امور اجرایی کشور شود، اینک محض رضای همه کشور و همه نظام، از این آقایان عزیز می‌خواهیم که در نهایت، تنها با یک نامزد در صحنه باقی بمانند. آری! ۹۲ اگر دوست‌می‌داشتیم فلان جناح انتخابات را ببرد و بهمان جناح نه، اینک شرایط جوری است که لاجرم باید از سر دلسوزی برای همه کشور و همه نظام، آقایان را دعوت به اتحاد کنیم. من حالا بنای بر توضیح واضح‌تر ندارم، چرا که متاثر از کار هیچ و کارنامه تقریباً هیچ دولت اعتدال که از بزرگ گرفته تا کوچک، صدای همه را در آورده، قطعا و طبعاً خود این دوستان محترم، بهتر از ما می‌دانند که در چه شرایط حساس و خطیری قرار داریم. مساله بسیار واضح است؛ آنقدر که بعید می‌دانم در تمام عمر جمهوری اسلامی، مساله‌ای از این واضح‌تر وجود داشته باشد! اما نمی‌بینید؟ متوجه اوضاع نیستید؟! الحمدلله، هم می‌بینید فضا را و هم متوجه هستید اوضاع را، پس برای تفرقه و تفرق، هیچ بهانه‌ای پذیرفتنی نیست! من در این مقال، کاری با تاکتیک حضرات در رقابت انتخاباتی ندارم که چگونه و با چند نامزد، قصد ورود دارند؛ بحثم سر روزهای آخر است و همان مقوله همیشگی بصیرت که حتما حکم می‌کند به ماندن با تنها یک نامزد. القضا! ناظر بر کار هیچ و کارنامه تقریباً هیچ دولت فعلی، هم «بیار به تغییر» در آحاد مردم بخوبی احساس می‌شود، هم «امید به تغییر». منتهای مراتب، آنچه این «امید» را زنده‌تر می‌کند، وحدت «منادیان تغییر قوه مجریه» است و الا متاثر از چنددستگی، شک ندارم که امید مدنظر، هرگز از عرصه نظر به میدان عمل نخواهد آمد و عملیاتی نخواهد شد. بنابراین، هم چشم جوانان انقلابی و هم چشم توده مردم، به دست تصمیم‌دوستانی است که ان‌شاءالله متوجه صحنه هستند و الحمدلله می‌بینیم که تا حد زیادی هم هستند. اساساً هر آن اقدامی که احتمال برد ما را بیشتر می‌کند، اقدام مبارکی است اما بهترین این اقدامات، عقل سلیم، حکم می‌کند که «اتحاد» است و «ید واحده» شدن! از من حقیر گرفته تا آن پیرزن روستایی، بویژه وقتی احتیاج به تغییر را بیشتر حس می‌کنیم، لاجرم بیشتر حرکات متنادی این تغییر را رصد می‌کنیم! واضح است که هر چه

وداع

شاعر پرواوزه انقلاب در گذشت

احمد عزیزی «کفش‌های مکاشفه» را به پا کرد

احمد عزیزی، شاعر انقلاب که پربروز- ۱۵ اسفند ۹۵- وارد دهمین سال بودنش در وضعیت کما شده بود، به دلیل انسداد روده، تحت یک عمل جراحی ضروری قرار گرفت و دیروز به دلیل عوارض پیش آمده، چشم از جهان فروبست و به دیدار حق شتافت. به گزارش «وطن‌امروز»، این شاعر اهل بیت علیهم‌السلام، ۹ سال پیش- ۱۵ اسفند ۸۶- به دلیل کاهش سطح هوشیاری ناشی از تشنج و بیماری قلبی و کلیوی به کما رفت و از همان زمان تاکنون در بیمارستان امام رضا(ع) کرمانشاه تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار داشت.

مرحوم احمد عزیزی ۴ دی‌ماه ۳۷ در سرپل‌دهاب کرمانشاه به دنیا آمد. وی در کودکی با عشایر سیاه‌چادرنشین حشر و نشر فراوان داشت و قبل از رفتن به دبستان، خواندن و نوشتن را بدون داشتن معلم و تنها از روی کنجکاو و تأمل و دقت به نوشته‌های روی تابلوها و اسامی خیابان‌ها و... بخوبی فرا گرفت. عزیزی قبیل از پیروزی انقلاب به دعوت شمس آل‌احمد به تهران رفت و دیداری نیز با شهید مرتضی مطهری(ره) داشت. وی با آغاز جنگ به همراه خانواده به تهران نقل مکان کرد و برای مدتی نیز ساکن شهرستان نور شد. سپس در تهران اقامت گزید و به همکاری با روزنامه جمهوری اسلامی پرداخت. این شاعر انقلابی سرودن شعر از سال‌های جوانی با مجله جوانان آغاز کرد. وی از یازدهم اسفندماه ۸۶ تا دیروز به علت کاهش سطح هوشیاری ناشی از تشنج و بیماری قلبی و کلیوی در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان امام رضا(ع) کرمانشاه بستری بود. عزیزی آثار شعر و نثر ادبی متعددی دارد و شاعری با سبک منحصر‌به‌فرد است که این سبک به‌صورت مثنوی در «کفش‌های مکاشفه» جلوه کرده است. تمایل سبک وی به معنویت و عرفان اسلامی با فرم جدیدی از مثنوی- ملهم از مثنوی مولوی- در شعر معاصر بی‌نظیر است. این سبک تأثیر بسیار زیادی بر شعر معاصر گذاشته است. اشعار عزیزی با عرفان اسلامی آمیختگی دارد و تمجید از اهل‌بیت علیهم‌السلام در بیشتر آثارش موج می‌زند. شرجی آواز، باغ تناسخ، ترجمه زخم، باران پروانه، رودخانه رؤیا، ملکوت تکلم و سیل گل‌سرخ از جمله آثار این شاعر اهل‌بیت علیهم‌السلام است. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب، ۲۸ مهر ۹۰ طی سفر به کرمانشاه از احمد عزیزی در بیمارستان عیادت کردند و وی را مورد تفقد قرار دادند.